

دوران تدارک و انجام
انقلاب سوسیالیستی اکتبر
﴿۱﴾

* از: آثار منتخب لنین

* در یک جلد

* تجدید چاپ سال ۱۳۵۳ - ۱۹۷۴

* از انتشارات سازمان انقلابی حزب توده ایران در خارج از کشور

* تکثیر از: حجت برزگر

* تاریخ تکثیر: ۱۳۸۲/۱۲/۰۴ (۲۳/۰۲/۲۰۰۴ میلادی)

* آدرس تماس با اتحادیه مارکسیستها از طریق پست الکترونیکی: nasim@tele2.se

صفحه

فهرست

۳	۱- <u>راجع به وظایف پرولتاریا در انقلاب حاضر</u>
۳	* <u>ترها</u>
۷	۲- <u>درباره قدرت دوگانه</u>
۱۰	* <u>زیرنویسها</u>
۱۰	* <u>توضیحات</u>

راجع به وظائف پرولتاریا

در انقلاب حاضر (۱۹۵)

من که فقط سوم آوریل شب هنگام به پتروگراد وارد شدم البته تنها از جانب خود و با قید اینکه خود را بقدر کافی حاضر نکرده ام میتوانستم در جلسه ۴ آوریل در باره وظائف پرولتاریای انقلابی سخنرانی نمایم.

یگانه عملی که میتوانستم برای تسهیل کار خود و معارضین پاک نیت انجام دهم تهیه تزهایی کتبی بود. من این تزها را قرائت نمودم و سپس متن آنها را به رفیق تسره تلی دادم. آنها را بسیار آهسته و دو بار قرائت نمودم: ابتدا در جلسه بلشویکها و سپس در جلسه مشترک بلشویکها و منشویکها.

اکنون این تزهایی شخصی خود را که فقط تبصره های توضیحی فوق العاده مختصری بدان ضمیمه شده و من ضمن سخنرانی خود با تفصیل بس بیشتری آنها را شرح و بسط داده ام بچاپ میرسانم.

تزها

۱. در روش ما نسبت بجنگ که از طرف روسیه در شرایط حکومت جدید لووف و شرکاء نیز بعلت ماهیت سرمایه داری این حکومت، مسلماً همان جنگ امپریالیستی و غارتگرانه باقیمانده است، کوچکترین گذشتی نسبت به «دفاع طلبی انقلابی» جایز نسبت.

پرولتاریای آگاه فقط بشرطی میتواند با یک جنگ انقلابی که واقعاً دفاع طلبی انقلابی را توجیه کند، ابراز موافقت نماید که: الف) قدرت بدست پرولتاریا و قشرهای تهیدست دهقانانی که بوی گرویده اند بیفتد؛ ب) از هرگونه الحاق طلبی، نه لفظاً بلکه عملاً امتناع گردد؛ ج) با جمیع مصالح و منافع سرمایه عملاً قطع ارتباط کامل شود.

نظر به پاک نیتی مسلم قشرهای توده ای وسیع هواداران دفاع طلبی انقلابی که جنگ را فقط بر حسب ضرورت تصدیق دارند نه برای کشورگشائی و نظر باینکه بورژوازی آنها را میفربید، باید با تفصیل تمام و با اصرار و شکیبائی اشتباهشانرا به آنان توضیح داد، توضیح داد که سرمایه با جنگ امپریالیستی ارتباط ناگسستنی دارد، ثابت نمود که پایان دادن به جنگ از طریق یک صلح حقیقتاً دموکراتیک و غیر تحمیلی، بدون برانداختن سرمایه ممکن نیست.

دادن ترتیبات لازم برای تبلیغ کاملاً وسیع این نظریه در ارتش مشغول جنگ.

ایجاد اخوت بین سربازان ارتش های متخاصم.

۲) خود ویژگی لحظه فعلی در روسیه عبارت است از انتقال انقلاب از نخستین مرحله خود که در آن قدرت حاکمه بعلت کافی نبودن آگاهی و تشکل پرولتاریا، بدست بورژوازی افتاده است، بدومین مرحله که در آن باید قدرت حاکمه بدست پرولتاریا و قشرهای تهیدست دهقانان بیفتد. صفت مشخصه این انتقال از یکطرف وجود حد اعلا قانونیت است (روسیه اکنون آزادترین کشورهای محارب جهان است) و از طرف دیگر فقدان اعمال فشار نسبت به توده ها و بالاخره روش اعتماد آمیز غیر آگاهانه این توده ها نسبت بدولت سرمایه داران که بدترین دشمن صلح و سوسیالیسم می باشند.

این خود ویژگی از ما خواستار قابلیت دمسازی با شرایط مخصوص کار حزبی در بین توده های پرولتار است که دارای وسعت بیسابقه ای هستند و تازه برای شرکت در زندگی سیاسی دیده گشوده اند.

۳) از حکومت موقت بهیچوجه پشتیبانی نگردد و کذب کامل کلیه مواعید آن بویژه در مورد امتناع از الحاق طلبی توضیح داده شود. بجای «مطالبه» اینکه این حکومت که حکومت سرمایه داران است از امپریالیست بودن خود دست بکشد یعنی بجای این عمل ناپذیرفتنی که موجب اشاعه تصورات خام میشود، ماهیت این حکومت افشاء گردد.

۴) باین واقعیت اعتراف شود که حزب ما در اکثر شوراهای نمایندگان کارگران در برابر بلوک کلیه عناصر اپورتونیست خرده بورژوا از سوسیالیستهای توده ای و اس ارها گرفته تا کمیته تشکیلاتی (۱۹۶) (چخیدزه، تسره تلی و غیره) و استکلف و سایرین، که به نفوذ بورژوازی تن در داده و نفوذش را در بین پرولتاریا بسط میدهند، در اقلیت و آنهم فعلاً در اقلیت ضعیفی است. بتوده ها توضیح داده شود که شوراهای نمایندگان کارگران یگانه شکل ممکنه حکومت انقلابی است و بدینجهت مادام که این حکومت به نفوذ بورژوازی تن در میدهد وظیفه ما فقط میتواند این باشد که اشتباهات تاکتیک شوراها را با شکیبائی و بطور سیستماتیک و مصرانه بتوده ها توضیح دهیم و این عمل را بخصوص با نیازمندیهای عملی توده ها دمساز نمائیم.

مادامکه ما در اقلیت هستیم کارمان انتقاد و توضیح اشتباهات است و در عین حال لزوم انتقال تمام قدرت بدست شوراهای نمایندگان کارگران را تبلیغ مینمائیم تا توده ها بکمک تجربه خود از قید اشتباهات خویش برهند.

۵) جمهوری پارلمانی نه – زیرا رجعت از شوراهای نمایندگان کارگران به جمهوری پارلمانی گامی است به پس، – بلکه استقرار جمهوری شوراهای نمایندگان کارگران و برزگران (۱*) و دهقانان در سراسر کشور، از پائین تا بالا.

برانداختن سازمان پلیس، ارتش و منصبداری بوروکراتیک – (۲*).

بکلیه مستخدمین دولتی که انتخابی و در هر موقع قابل عزل خواهند بود حقوقی پرداخت شود

که از حقوق متوسط یک کارگر خوب بیشتر نباشد.

۶) در برنامه ارضی مرکز ثقل به شوراهای نمایندگان بزرگان منتقل گردد.

ضبط کلیه زمینهای ملاکین.

ملی کردن کلیه زمینها در کشور و اداره امور این زمینها از طرف شوراهای محلی نمایندگان بزرگان و دهقانان. تشکیل شوراهائی از نمایندگان دهقانان تهیدست. تبدیل هر یک از املاک بزرگ (به مساحت قریب ۱۰۰ تا ۳۰۰ دسیاتین، با درنظر گرفتن شرایط محلی و غیره و طبق نظر سازمانهای محلی) به مؤسسه بهره برداری نمونه واری تحت کنترل نمایندگان بزرگان و بحساب اجتماعی.

۷) درآمیختن فوری کلیه بانکهای کشور بصورت یک بانک ملی واحد و برقراری نظارت بر آن از طرف شوراهای نمایندگان کارگران.

۸) وظیفه مستقیم امروز ما «معمول داشتن» سوسیالیسم نیست بلکه فقط اقدام فوری به برقراری کنترل از طرف شوراهای نمایندگان کارگران بر تولید اجتماعی و توزیع محصولات است.

۹) وظائف حزبی:

الف) تشکیل فوری کنگره حزب؛

ب) تغییر برنامه حزب بویژه:

۱) در مورد امپریالیسم و جنگ امپریالیستی.

۲) در مورد روش نسبت به دولت و خواست ما در باره «دولت - کمون» (۳*).

۳) اصلاح برنامه حداقل که دیگر کهنه شده است.

ج) تغییر نام حزب (۴*).

۱۰) تجدید انترناسیونال.

ابراز ابتکار برای ایجاد یک انترناسیونال انقلابی، انترناسیونالی برضد سوسیال شوینیستها و برضد «مرکز» (۵*).

برای اینکه خواننده پی برد چرا من مجبور شدم بعنوان یک استثناء نادر، بخصوص روی «مورد» معارضین پاک نیت تکیه نمایم، از وی دعوت میکنم اعتراض زیرین آقای گلدنبرگ را با این ترها مقایسه نماید: لنین «در محیط دموکراسی انقلابی پرچم جنگ داخلی برافراشته است» (این عبارت در شماره پنجم روزنامه «یدینستوا»ی (۱۹۷) آقای پلخانف نقل قول شده است).

آیا براستی این یک شاهکار نیست؟

من می نویسم، میگویم، جویده میکنم که: «نظر به پاک نیتی مسلم قشرهای توده ای وسیع هواداران دفاع طلبی انقلابی... نظر به اینکه بورژوازی آنها را میفریبید، لذا باید با تفصیل تمام و با اصرار و شکیبائی اشتباهشان را به آنان توضیح داد»...

ولی آقایان منتسب به بورژوازی که خود را سوسیال دموکرات می نامند و نه بقشرهای وسیع تعلق دارند و نه به هواداران توده ای دفاع طلبی، بی آنکه چین بر جبین افکنند نظریات مرا بیان کرده و آنها را بدین نحو افاده میکنند: «در محیط(!!) دموکراسی انقلابی پرچم(!) جنگ داخلی (در این باره کلمه ای در ترزا وجود ندارد و ضمن گزارش هم از آن صحبتی نشده است!) برافراشته است(!)»...

این یعنی چه؟ فرق این با تبلیغ تالانگری و اظهارات روزنامه «روسکایا ولیا» چیست؟ من مینویسم، میگویم و جویده میکنم که: «شوراهای نمایندگان کارگران یگانه شکل ممکنه حکومت انقلابی است و بدینجهت وظیفه ما فقط میتواند این باشد که اشتباهات تاکتیک شوراها را با شکیبائی و بطور سیستماتیک و مصرانه بتوده ها توضیح دهیم و این عمل را بخصوص با نیازمندیهای عملی توده ها دمساز نمائیم»...

ولی معارضینی از قماش معین نظریات مرا بعنوان دعوت به «جنگ داخلی در محیط دموکراسی انقلابی» تعبیر مینمایند!!

من دولت موقت را بدانجهت که برای تشکیل مجلس مؤسسان یک موعد نزدیک و بطور کلی هیچ موعدی معین نکرده و با وعده و وعید گریبان خود را خلاص نموده است، مورد حمله قرار داده ام. کوشش من اثبات اینموضوع بوده است که بدون وجود شوراهای نمایندگان کارگران و سربازان امر تشکیل مجلس مؤسسان تأمین نشده و موفقیت آن محال است.

به من این نظر را نسبت میدهند که گویا با تشکیل هر چه سریعتر مجلس مؤسسان مخالفم!!! اگر سالیان دراز مبارزه سیاسی به من نیاموخته بود که پاک نیتی معارضین را یک استثنا نادر بدانم، اینها را اظهارات «هذیان آمیز» مینامیدم.

آقای پلخانف در روزنامه خود نطق مرا «هذیان آمیز» نامیده است. بسیار خوب، آقای پلخانف! ولی شما ببینید چقدر در مباحثه خود بی مهارت، ناشی و بطی الانتقال هستید. اگر من دو ساعت تمام در نطق خود هذیان گفتم چگونه صدها مستمع این «هذیان» را تحمل کردند؟ وانگهی، چرا روزنامه شما یک ستون تمام را به افاده و بیان «هذیان» اختصاص میدهد؟ این نمیگیرد و بهیچوجه هم نمیگیرد.

البته فریاد زدن، ناسزا گفتن، فغان کردن بمراتب سهلتر از اینست که سعی شود چگونگی قضاوت مارکس و انگلس در سالهای ۱۸۷۱، ۱۸۷۲، ۱۸۷۵ در باره تجربه کمون پاریس و در باره این که چه دولتی برای پرولتاریا لازمست؟ ذکر شود، ایضاح گردد و بیاد آورده شود.

آقای پلخانف مارکسیست سابق از قرار معلوم مایل نیست مارکسیسم را یاد نماید. من گفته روزا لوکزامبرگ را که در چهارم اوت سال ۱۹۱۴ سوسیال دموکراسی آلمان را «لاشه متعفن» نامیده بود نقل کردم. ولی آقایان پلخانف ها، گلدنبرگ ها و شرکاء «میرنجدند»... بخاطر

کی؟ بخاطر شوینیستهای آلمانی که شوینیست نامیده شده اند؟
سررشته از دست سوسیال – شوینیستهای بیچاره روس، این سوسیالیستهای در گفتار و شوینیستهای در کردار در رفته است.

ن. لنین.

درباره قدرت دوگانه

مسئله اساسی هر انقلاب موضوع قدرت حاکمه در کشور است. بدون توضیح این مسئله نمیتوان از هیچگونه شرکت آگاهانه در انقلاب و بطریق اولی از رهبری بر آن صحبت کرد. خود ویژه گی بینهایت شایان توجه انقلاب ما در اینست که این انقلاب یک قدرت دوگانه بوجود آورده است. این فاکت را باید مقدم بر هر چیز برای خود روشن نمود زیرا بدون پی بردن به آن نمیتوان گامی به پیش برداشت. باید توانست «فرمولهای» قدیمی مثلاً فرمولهای قدیمی بلشویسم را تکمیل و اصلاح نمود زیرا این فرمولها، چنانچه معلوم شده بطور کلی صحیح بوده است ولی اجراء مشخص آنها صورت دیگری بخود گرفته است. سابقاً در باره قدرت دوگانه احدی فکر نمیکرد و نمیتوانست هم فکر کند.

قدرت دوگانه عبارت از چیست؟ عبارت از اینست که در کنار حکومت موقت، یعنی حکومت بورژوازی، حکومت دیگری تشکیل یافته که هنوز ضعیف و در حالت جنینی است ولی بهر حال موجودیت عملی و مسلم داشته در حال نمو است: این حکومت، شوراها و نمایندگان کارگران و سربازان است.

ترکیب طبقاتی این حکومت دیگر، چگونه است؟ پرولتاریا و دهقانان (که به لباس سربازان ملبس هستند). خصلت سیاسی این حکومت چیست؟ دیکتاتوری انقلابی یعنی قدرتی که مستقیماً بر تصرف انقلابی و ابتکار بلاواسطه توده های مردم از پائین – متکی است نه بر قانون صادره از طرف یک قدرت متمرکز دولتی. این قدرت حاکمه بکلی غیر از آن نوعیست که بطور کلی در جمهوری پارلمانی بورژوا دموکراتیکی که تاکنون تیپ عادی بشمار میرفت و در کشورهای پیشرفته اروپا و آمریکا حکمفرماست، – دیده میشود. چه بسا این نکته را فراموش میکنند و چه بسا در آن تعمق نمی ورزند و حال آنکه تمام کنه مطلب اینجا است. این قدرت از همان نوع کمون ۱۸۷۱ پاریس است. مشخصات اصلی این نوع: (۱) منبع قدرت – قانونی نیست که قبلاً در پارلمان مورد بحث قرار گرفته و بتصویب آن رسیده باشد، بلکه ابتکار مستقیم توده های مردم از پائین و در محلها و باصطلاح رایج «تصرف» مستقیم است؛ (۲) تسلیح مستقیم تمام مردم بجای پلیس و

ارتش، که مؤسساتی جدا از مردم و در نقطه مقابل مردم هستند. در شرایط وجود این قدرت نظام امور در کشور بتوسط خود کارگران و دهقانان مسلح و خود مردم مسلح حفظ می شود؛ (۳) مسخدمین دولت و دستگاه بوروکراتیک نیز یا جای خود را به قدرت بلاواسطه ناشیه از خود مردم میدهند و یا حداقل تحت کنترل مخصوص قرار میگیرند و نه تنها انتخابی میگردند، بلکه با اولین درخواست مردم قابل تعویض خواهند بود، یعنی تا مقام عاملین ساده تنزل مینمایند و از قشر ممتاز دارای «مقاماتی» با حقوق عالی، بورژوائی، به کارگرانی از «رسته» مخصوص بدل میشوند که حقوق آنها از حقوق معمولی یک کارگر خوب بالاتر نخواهد بود.

ماهیت کمون پاریس که نوع مخصوصی از دولت است، در همین و فقط در همین است. آقایان پلخانف ها (این شوینیستهای علنی که به مارکسیسم خیانت نموده اند) و کائوتسکی ها (این «مرکزیون» که بین شوینیسم و مارکسیسم در نوسانند) و بطور کلی تمام سوسیال دموکراتها و سوسیال رولوسیونرها و غیره که امروز حکمفرمائی میکنند این نکته را فراموش نموده و مورد تحریف قرار داده اند.

این اشخاص با عبارت پردازی گریبان خود را خلاص مینمایند، بسکوت برگزار میکنند، طفره میروند، هزار بار بیکدیگر بمناسبت انقلاب تبریک میگویند و نمیخواهند در این باره فکر کنند که شوراهای نمایندگان کارگران و سربازان یعنی چه. آنها نمیخواهند این حقیقت عیان را به بینند که تا آنجا که این شوراها وجود دارند و تا آنجا که این شوراها قدرتی هستند، در روسیه دولتی از نوع کمون پاریس وجود دارد.

من روی کلمه «تا آنجا» تکیه کردم، زیرا شوراها هنوز فقط قدرتی در حال جنین هستند. این قدرت خواه از طریق سازش مستقیم با حکومت موقت بورژوازی و خواه از طریق یک سلسله گذشتهای واقعی، خود مواضع را به بورژوازی تحویل داده و میدهد.

چرا؟ آیا برای اینکه چخیدزه، تسره تلی، استکلف و شرکاء «اشتباه» میکنند؟ این حرف پوچی است. تنها یک عامی میتواند اینطور فکر کند نه یک نفر مارکسیست. علت این امر – کافی نبودن آگاهی و تشکل پرولتارها و دهقانان است – «اشتباه» رهبران نامبرده در نظریات خرده بورژوائی آنان و در اینستکه آنها ذهن کارگران را تیره ساخته و آنرا روشن نمی کنند، موهومات خرده بورژوائی تلقین نموده و این موهومات را تکذیب نمی کنند، مبانی نفوذ بورژوازی را در میان توده ها استوار ساخته و توده ها را از قید این نفوذ آزاد نمی کنند.

از اینجا باید دیگر واضح باشد که چرا رفقای ما نیز اینقدر دچار اشتباه هستند وقتی مسئله را «بطور ساده» مطرح نموده میگویند: آیا باید فوراً حکومت موقت را برانداخت؟

پاسخ میدهم: (۱) آنرا باید برانداخت، زیرا این یک حکومت الیگارشوی بورژوازی است نه حکومت تمام مردم، این حکومت نمیتواند نه صلح بدهد، نه نان و نه آزادی کامل؛ (۲) آنرا نمیتوان اکنون

سرنگون ساخت زیرا این حکومت بوسیله سازش مستقیم و غیر مستقیم، بوسیله سازش در گفتار و در کردار با شوراها نمایندگان کارگران و قبل از همه با شورای کل یعنی شورای پتربورگ خود را روی پا نگاهداشته است؛ ۳) آنرا اصولاً با وسائل معمولی نمیتوان «برانداخت» زیرا متکی بر «پشتیبانی» حکومت دوم، یعنی شوراها نمایندگان کارگران و سربازان، از بورژوازی است و این حکومت یگانه حکومت انقلابی ممکنه است که مستقیماً مظهر شعور و اراده اکثریت کارگران و دهقانان است. بشر حکومتی عالیت و بهتر از شوراها نمایندگان کارگران و برزگران و دهقانان و سربازان بوجود نیآورده است و ما تاکنون نظیر آنرا ندیده ایم.

کارگران آگاه برای نیل بقدرت باید اکثریت را بسوی خود جلب نمایند: مادامکه بر توده ها فشار وارد نمیشود راه دیگری برای نیل به قدرت حاکمه وجود ندارد. ما بلانکیست (۱۹۸) نیستیم یعنی طرفدار تصرف قدرت از طرف یک اقلیت نیستیم، ما مارکسیست یعنی طرفدار مبارزه طبقاتی پرولتاری علیه گیج سری خرده بورژوازی، علیه شوینیسم دفاع طلبانه و عبارت پردازی و علیه تبعیت از بورژوازی هستیم.

پس به تشکیل حزب کمونیست پرولتاریا پردازیم؛ بهترین هواداران بلشویسم عناصر آنرا تشکیل داده اند؛ برای فعالیت طبقاتی پرولتاری متحد شویم، در آنصورت است که روز بروز تعداد هر چه بیشتری از پرولتارها و دهقانان تهیدست به هواداری ما بر خواهند خاست. زیرا زندگی هرروزه بطلان اوهام خرده بورژوازی «سوسیال دموکراتها»، چخیدزه ها، تسره تلی ها، استکلف ها و سایرین و نیز «سوسیال رولوسیونرها»، این خرده بورژواهای بسی «خالص»تر و غیره و غیره را به ثبوت میرساند. بورژوازی طرفدار قدرت یکتای بورژوازیست.

کارگران آگاه طرفدار قدرت یکتای شوراها نمایندگان کارگران و برزگران و دهقانان و سربازان، یعنی طرفدار قدرت یکتائی هستند که موجبات آن از راه روشن شدن ذهن پرولتاریا و رهائی وی از قید نفوذ بورژوازی فراهم شده باشد نه از راه ماجراجویی.

خرده بورژوازی – «سوسیال دموکراتها»، اس ارها و غیره – در حال نوسانست و مانع این روشن شدن و رهائی میگردد.

چنین است تناسب واقعی یعنی طبقاتی قوا که تعیین کننده وظائف ما است.

ن. لنین

«پراودا» شماره ۲۸، ۹ آوریل ۱۹۱۷

(۱*) چون در قسمتی از ایالات شمالی ایران لفظ برزگر بمعنای دهقان مزدور (معادل کلمه روسی «باتراک») بکار می‌رود لذا تصمیم گرفته شد در این ترجمه از این پس این کلمه بدین مفهوم بکار برده شود. مترجم

(۲*) یعنی تبدیل ارتش دائمی به تسلیح همگانی مردم.

(۳*) یعنی تشکیل دولتی که کمون پاریس نمونه آن بود.

(۴*) بجای «سوسیال دموکراسی» که پیشوایان رسمی آن در تمام جهان به سوسیالیسم خیانت ورزیده و به بورژوازی گرویده اند («دفاع طلبان» و «کائوتسکیستهای» متزلزل) باید آنها حزب کمونیست نامید.

(۵*) («مرکز» در سوسیال دموکراسی جهانی نام جریانی است که بین شوینیستها = «دفاع طلبان») و انترناسیونالیستها نوسان میکند. نمایندگان آن عبارتند از: کائوتسکی و شرکاء در آلمان، لونگه و شرکاء در فرانسه، چخیدزه و شرکاء در روسیه، توراتی و شرکاء در ایتالیا، ماکدونالد و شرکاء در انگلستان و غیره.

* توضیحات

(۱۹۵) مقاله «راجع به وظائف پرولتاریا در انقلاب حاضر» که ۷ آوریل سال ۱۹۱۷، در شماره ۲۶ روزنامه «پراودا» بامضاء ن. لنین منتشر گردید حاوی تزه‌های مشهور آوریل لنین بود که بتوسط خود او در ۴ (۱۷) آوریل سال ۱۹۱۷ در دو جلسه (یک بار در جلسه بلشویکها و بار دیگر در جلسه مشترک بلشویکها و منشویکها یعنی در جلسه برگزیدگان مجلس مشورتی کشوری شوراهای نمایندگان کارگران و سربازان روسیه) در قصر تآوری قرائت گردید. مقاله مزبور همچنین در روزنامه های بلشویکی «سوسیال دموکرات» (مسکو)، «پرولتاری» (خارکف)، «کراسنویارسکی رابوچی» (کراسنوبارسک)، «وپریود» (اوفا)، «باکینسکی رابوچی» (باکو)، «کافکازسکی رابوچی» (تفلیس) و در سایر روزنامه ها انتشار یافت.

برای اطلاع از اهمیت تزه‌های آوریل رجوع شود به ترجمه فارسی کتاب «دوره مختصر تاریخ حزب کمونیست (بلشویک) اتحادیه شوروی، چاپ مسکو، ص ۳۰۰-۳۰۴.

(۱۹۶) کمیته تشکیلاتی حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه یا مرکز رهبری منشویکها. کمیته نامبرده در سال ۱۹۱۲ در کنفرانس ماه اوت منشویکهای انحلال طلب و کلیه گروه ها و جریانات حزبی، تأسیس گردیده بود و تا انتخاب کمیته مرکزی حزب منشویکی در ماه اوت سال ۱۹۱۷

فعالیت میکرد.

(۱۹۷) «یدینستوا» – روزنامه یومیه ای بود که از مارس تا نوامبر سال ۱۹۱۷ تحت این عنوان و نیز در دسامبر سال ۱۹۱۷ و ژانویه سال ۱۹۱۸ در پتروگراد تحت عنوان دیگر انتشار می یافت. سردبیر این روزنامه گ. و. پلخانف بود. این روزنامه گروه دست راست افراطی منشویکهای دفاع طلب را متحد میکرد و از حکومت موقت بورژوازی بلاکید و شرط پشتیبانی مینمود و علیه حزب بلشویکها شدیداً مبارزه میکرد.

(۱۹۸) بلانکی ها – طرفداران لئوی بلانکی (۱۸۰۵-۱۸۸۱) انقلابی فرانسوی. کلاسیکهای مارکسیسم – لنینیسم در عین حال که بلانکی را یک انقلابی برجسته و طرفدار سوسیالیسم میدانستند، بعلت شیوه طریقت بازی و توطئه گرانه وی او را مورد انتقاد قرار میدادند. بلانکیسم مبارزه طبقاتی را انکار میکرد و راه رهائی بشر را از قید بردگی روزمزدی مبارزه طبقاتی پرولتاریا ندانسته بلکه توطئه اقلیت کوچکی از روشنفکران میدانست.

﴿ادامه دارد﴾